

تحول رویکرد گروه ویشاگراد به امنیت از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷

دکتر محمدرضا دهشیری* - میلاد ربانی**

چکیده

گروه ویشاگراد که متشکل از چهار کشور اسلواکی، جمهوری چک، لهستان و مجارستان است، در ابتدا یک گروه سیاسی با اهداف و جهت‌گیری امنیتی بود. این گروه در ۱۵ فوریه سال ۱۹۹۱ تأسیس شد. این گروه در بستر اروپای شرقی شکل گرفت که مختصات جغرافیایی و سیاسی خاص خود را دارد. ارکان گروه ویشاگراد عبارتند از: ریاست گروه، صندوق بین‌المللی ویشاگراد، شورای سفیران، کنفرانس وزرای امور خارجه، کارگروه‌های تخصصی از جمله کارگروه انرژی و دو رکن دیگر که هنوز به طور کامل تأسیس نشده‌اند، یعنی گروه رزمی مشترک و نهاد حفظ اختراع ویشاگراد. این گروه در پی‌گیری مهمترین هدف خود، یعنی امنیت، روندی را از سال ۱۹۹۱ تا نگارش این مقاله، یعنی سال ۲۰۱۷ پیموده است که به نظر می‌رسد می‌توان آن را به دو مقطع تاریخی تقسیم کرد: از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ و از ۲۰۰۴ به بعد. در مقطع اول، این گروه به دنبال تأمین امنیت نظامی و اقتصادی خود (که در این مقاله به نام امنیت سخت از آن یاد می‌شود) از طریق عضویت در ناتو و اتحادیه اروپاست و این دو هدف، بر دیگر اهداف و اقدامات امنیتی این گروه سایه افکنده است. اما پس از ۲۰۰۴، یعنی زمانی که هر چهار عضو گروه ویشاگراد، به عضویت ناتو و اتحادیه اروپا درمی‌آیند، دیگر ویشاگراد به سمت مسایل امنیتی همچون محیط زیست، تشکیل نهادهای حمایتی از حقوق معنوی، مبارزه با تروریسم، تشکیل ارتش مشترک، هماهنگی سیاست‌ها در زمینه مهاجران و بحث انرژی حرکت می‌کند. در روند حرکت گروه ویشاگراد، شاهد سیری از امنیت از همکاری به سمت هماهنگی هستیم.

کلید واژگان: گروه ویشاگراد، امنیت، اروپای شرقی، ناتو، اتحادیه اروپا.

* دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
** کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

تحول رویکرد گروه ویشاگراد به امنیت از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷

دکتر محمدرضا دهشیری*

میلاذ ربانی**

دیباچه

گروه ویشاگراد، گروهی امنیتی و سیاسی در اروپای شرقی و متشکل از چهار کشور جمهوری اسلواکی، جمهوری چک، جمهوری لهستان و جمهوری مجارستان است. این گروه با اهداف امنیتی و سیاسی، در ۱۵ فوریه سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تشکیل شد. حرکت به سمت غرب و ابتدای بر اصولی مثل بازار آزاد و دموکراسی و عدم بازگشت به رژیم‌های اقتدارگرا، در همان ابتدا در بین اعضای این گروه مشهود بود و در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های این گروه اعلام شد. دو وسیله مهم برای نیل به این اصول، عضویت در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا بود که تا سال ۲۰۰۴، نقطه عطفی برای اعضای این گروه به شمار می‌آمد به نحوی که تمام اعضای گروه ویشاگراد به این دو سازمان پیوستند. پس از

* دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه
** کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین المللی از دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

این تاریخ، به نظر می‌رسد که دیگر این گروه رسالت خود را انجام داده و به مهمترین هدفی که برای آن بوجود آمده، دست یافته است. این مقاله در صد پاسخگویی به این سوال است که «رویکرد گروه ویشاگراد به امنیت چه سیری داشته است؟» نوشتار حاضر براین باور است که تا سال ۲۰۰۴، این گروه محلی برای همکاری (Co-operation) و هماهنگی (Co-ordination) سیاسی و امنیتی بین اعضای این گروه بوده است. تا این زمان امنیت نظامی و قدرت‌سخت، با اولویت همکاری‌های نظامی و سیاسی و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی امنیتی و سیاسی مثل ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، در اولویت سیاست خارجی کشورهای گروه ویشاگراد قرار داشت. اما پس از سال ۲۰۰۴، این گروه دیگر صرفاً به محفلی برای هماهنگی برخی از سیاست‌های اعضای این گروه تبدیل شده است و به جنبه‌های غیرنظامی امنیت توجه می‌کند؛ چرا که عضویت در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، امنیت سخت‌افزاری را برای گروه ویشاگراد به ارمغان آورده است. در مقاله حاضر پس از توضیح مختصری در باره این گروه و شرایط پیش از تاسیس آن، به روند تاریخی تحول این گروه تا سال ۲۰۱۶ پرداخته می‌شود و مسایل مهم و دغدغه‌های امنیتی این گروه و تحول رویکرد آن از سخت به نرم تبیین می‌شود.

مبحث نخست: آشنایی با گروه ویشاگراد الف) شرایط پیش از تاسیس گروه ویشاگراد

پس از فروپاشی شوروی، نیاز به بستری برای گفت‌وگوهای دوطرفه‌ی ساختارمند بین مناطق اروپای مرکزی و شرکای اروپای غربی مثل ایتالیا و اتریش، و نیاز به وجود یک اتحادیه‌ی تجاری در اروپای مرکزی، باعث حرکت جمعی این منطقه به سمت غرب شد. به خاطر این نیاز اخیر بود که هسته‌ی گروهی در اروپای مرکزی، به نام ویشاگراد سه و سپس ویشاگراد چهار، بوجود آمد. در این مقطع بود که رشته‌ای از گروه‌های همکاری منطقه‌ای با ارتباطی شکننده و متداخل در مسیر اروپای مرکزی که بالتیک تا دریای سیاه را شامل می‌شد و حدود ۲۰۰ میلیون جمعیت را در بر می‌گرفت، پا به عرصه وجود گذاشتند. کشورهای گروه ویشاگراد، بخش مهمی از این زنجیره را تشکیل می‌دادند (Fitzmaurice, 1998: 178).

پیش از تشکیل گروه ویشاگراد و در سال ۱۹۸۸، پروژه‌ی تشکیل گروهی به نام ابتکار اروپای مرکزی (CEI)^۱ توسط ایتالیا و اتریش کلید خورد. این گروه را پنتاگونال^۲، به خاطر ۵ عضو اولیه و سپس هگزاگونال^۳ یا داری ۶ عضو نیز می‌نامیدند. این گروه در نشست بوداپست در ۱۰ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۸۹ رسماً آغاز به کار کرد و کشورهای ایتالیا، اتریش، مجارستان، یوگوسلاوی، چک‌واسلواکی و سپس لهستان به عنوان عضو ششم، به آن ملحق شدند. چهار کشور غیر عضو یعنی رومانی، بلغارستان، اکراین و بلاروس این حق را داشتند که در جلسات کارگروه‌های CEI شرکت کنند. این گروه (هم مثل ویشاگراد) دبیرخانه نداشت و نشست‌های سالانه در سطح وزرا و دو نشست در سطح وزرای امور خارجه در سال، برگزار می‌شد. کارگروه‌های CEI شامل کارگروه‌هایی در بخش حمل‌ونقل و مخابرات، محیط زیست و ارتباط از راه دور می‌شد. CEI درگیر مسائل ادغام اقتصادی^۴ نمی‌شد و بیشتر در زمینه‌ی همکاری‌های فنی و ایجاد ارتباط بین انواع گوناگون همکاری‌های منطقه‌ای نقش بازی می‌کرد. پس از ظهور گروه ویشاگراد، از اهمیت CEI کاسته شد. ویشاگراد را میتوان به عنوان هسته‌ی CEI در نظر گرفت (Fitzmaurice, 1998: 180-182).

ویشاگراد به دنبال توانی بیشتر از CEI از طریق همکاری و اتحاد جهت فرایند حساس کاهش وابستگی به مسکو از طریق جدایی از پیمان ورشو و کومکون^۵ بود. دومین جبهه‌ای که این گروه با آن مواجه بود، گسترش روابط با سازمان‌های غربی مثل ناتو و کمیسیون اروپا بود. شاید بتوان گفت که پیشنهاد لهستان در ۱۹۸۹ و تفاهم‌نامه‌ی چک‌واسلواکی در مارس ۱۹۹۰، آغازگر این گروه بود. اما انگیزه‌ی اصلی تشکیل این گروه را نشست معاهده‌ی ورشو در مسکو و در ۱۹۹۰ به دست داد. در این نشست بود که کشورهای عضو CEI فشار لازم را برای انحلال پیمان ورشو و کومکون ایجاد کردند. در همین زمان، ویشاگراد ۳ (چک‌واسلواکی، مجارستان و لهستان) برای ایجاد ارتباط نزدیکتر با ناتو و کمیسیون اروپایی، فشار آورد. در اینجا بود که آنان به این نتیجه رسیدند که می‌توانند با اقدام مشترک، به جای

1- Central European Initiative
2- Pentagonal
3- Hexagonale
4- Economic integration
5- COMECON

تک‌روی و اقدامات رقابت‌جویانه، به این اهداف خود برسند (Fitzmaurice, 1998: 182). خلا یک نظام امنیتی و نیاز به تشکیل چنین گروه یا سازمانی که بتواند کارویژه‌های امنیتی به خصوص از جهت امنیت نظامی و سیاسی را انجام دهد، اولین سنگ بنا برای تشکیل گروه ویشاگراد را به دست داد. رئیس‌جمهور سابق جمهوری چک واسلواکی، آقای والکاوهاول^۱، نقش مهمی در تاسیس تاسیس این گروه داشت.

ب) تاریخچه، ارکان، اعضا و اهداف گروه ویشاگراد

ویشاگراد معادل Visegrad در زبان انگلیسی است و در زبان روسی از دو بخش یعنی ВЬШЕ با تلفظ "ویشه" به معنای بالاتر یا Higher و ГОРОД با تلفظ "گوراد" به معنای شهر تشکیل شده است (فرهنگ لغت روسی به فارسی اوچنکو، ۱۳۷۴: ۱۴۷). پس معنای لغوی کلمه‌ی ویشاگراد به معنی شهری بالاتر و بالاتر است و شاید منظور شهری است که در بلندی یا بلندا قرار دارد یا نسبت به مناطق همجوار در بلندی قرار گرفته‌است. هنگامی که تاریخ شهر ویشاگراد را مطالعه می‌کنیم، با نشست معروف پادشاهان بوهم^۲، مجارستان و لهستان در شهر ویشاگراد در ۱۳۳۵ میلادی مواجه می‌شویم. سران این سه منطقه آرزوی مشترک خود جهت نیل به صلح را در این نشست ابراز داشتند. هدف دیدار پادشاه بوهم جان لوگزامبورگی، پادشاه مجارستان چارلز اول از آنجو^۳ و پادشاه لهستان کاسیمیر کبیر سوم^۴ حل و فصل مسایل سرزمینی، تقسیم قدرت و ایجاد اتحادی علیه اتریش بود. دلیلی که ۶۵۶ سال بعد، در پس نشست رئیس‌جمهور چک والکاوهاول، نخست‌وزیر مجارستان جوزف آنتال^۵، و رئیس‌جمهور لهستان لخ والسا^۶ نهفته بود، اندکی

1- Valcav Havel

2- Bohemian ناحیه ای در جمهوری چک امروزی- در گذشته نام منطقه‌ای که کشور چک و اسلاواکی امروزی قرار دارد، بوهم بوده است.

3- Anjou

4- Casimir III

5- Jozef Antall

6- Lech Walesa

معتدلتر بود اما همان شباهت را داشت و آن موضوعی امنیتی بود که باعث هدایت این سران به سوی برگزاری نشست منجر به تشکیل گروه ویشاگراد شد (ICDT, 2010: 13). دانستن این نکته تاریخی برای درک روابط تاریخی کشورهای تشکیل دهنده این گروه، خالی از لطف نیست.

دلایل تاسیس گروه ویشاگراد بعد از تاسیس در فوریه ۱۹۹۱ و در بیان رئیس جمهور وقت چک اسلواکی چنین آمده است: «در اوایل دهه ۱۹۹۰، پس از تغییرات تاریخی و فروریختن پرده‌ی آهنین، کشورهای اروپای مرکزی-چک اسلواکی، مجارستان، و لهستان- با وظیفه‌ی مهم دیگری مواجه شدند: که ادغام دموکراسی‌های جوانمان در ساختار اروپایی و فرا-آتلانتیکی^۱ بود. در آن زمان، ما پذیرای تفکر اروپایی-آمریکایی از دموکراسی بودیم که دو هدف اصلی در پس خود داشت: تقویت دموکراسی‌های خودمان و ناممکن ساختن بازگشت به اقتدارگرایی^۲. البته مسلم بود که اگر این سه کشور به دنبال رقابت با یکدیگر در عرصه بین‌المللی بودند، دستیابی به این اهداف بلندپروازانه از دسترس ما خارج می‌شد. برعکس، ما فقط از طریق همکاری نزدیک می‌توانیم به اهداف خود برسیم. ما می‌بایست همقطاران غربی خود را قانع می‌کردیم که مایل و قادر به شرکت در نوع گسترده‌تری از همکاری در دو سطح اروپایی و فرا-آتلانتیکی هستیم» (Jagodzioski, 2006: 54).

در ۱۵ فوریه ۱۹۹۱، در اولین نشست اعضای گروه ویشاگراد در براتیسلاوا، سندی با عنوان "اعلامیه‌ی همکاری بین جمهوری فدرال چک و اسلواکی، جمهوری لهستان و جمهوری مجارستان"، با هدف ادغام در اتحادیه‌ی اروپا امضا شد. طرفهای امضاکننده شامل جمهوری فدرال چک و اسلواکی، لهستان و مجارستان بودند که از طرف چک و لهستان رئیس‌جمهور (واکلاوهاول و لخ والسا^۳) و از طرف مجارستان نخست‌وزیر آن کشور (ژوزف آنتال) حضور داشتند. این سند، پایه‌ای برای همکاری بین این سه کشور (بعد از تقسیم چک، چهار کشور) اروپای مرکزی معروف به گروه ویشاگراد (V4) شد (Brazova

1- Trans-Atlantic
2- Totalitarianism
3- Lech Walesa

5: 2013, et al). نشست دوم گروه ویشاگراد در شهر کراکوللهستان و در ۶ اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد. از آن زمان تعداد زیادی نشست در سطح وزرا و نمایندگان وزرا که شامل وزرای اقتصادی و مالی هم می‌شد، برگزار شد. یک شورای سفرا هم برای این نهاد تشکیل شد تا تضمینی برای همکاری باشد، و چندین سطح از کارگروه‌های رسمی هم در زمینه‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات تشکیل شد (Fitzmaurice, 1998: 183).

اعضای این گروه از ابتدا ثابت و سه عضو بود و تنها با تجزیه چک و اسلواکی، به چهار عضو افزایش پیدا کرد. چک به عنوان جانشین کشور قبلی باقی ماند و اسلواکی به عنوان عضو جدید وارد این گروه شد. نیاز به رهایی از بقایای بلوک کمونیسم در اروپای مرکزی و فایق آمدن بر دشمنی تاریخی جهت نیل به اهداف مشترک، از جمله تغییرات اجتماعی و ادغام در اروپا، از مهمترین عواملی بودند که باعث گسترش همکاری می‌شد. در واقع شعار " بازگشت به اروپا"، نیروی پشبرنده در زمانی بود که گروه ویشاگراد تاسیس شد (Brazova et al, 2013: 5, 6). تصمیم به همکاری در قالب گروه ویشاگراد بیشتر بر زمینه‌های سیاسی استوار بوده است؛ اما پس از آن، با زمینه‌های تاریخی و سازمانی به تقویت بنیاد آن همت گماشتند و این امر تحت تاثیر منازعاتی بین سه کشور موسس آن بود (Fitzmaurice, 1998: 182). غیر از زمینه‌های سیاسی، میتوان رد زمینه‌های امنیتی را در تشکیل این سازمان به وضوح دید، در زمان تاسیس این سازمان همچنان نیروهای شوروی در منطقه‌ی اروپای شرقی حضور داشتند. این گروه در ابتدا با هدف هماهنگی فعالیت‌های [کشورهای عضو] جهت شکل دادن به همکاری و ارتباط نزدیک با نهادهای اروپایی و انجام مشورت‌های منظم در مورد موضوعات مربوط به امنیت آنها ایجاد شد. این گروه غالباً چارچوبی مشورتی مختص نشست‌های مقامات عالی رتبه است (Brazova et al, 2013: 2). در میان مسائل اساسی، رایزنی پیرامون مسائل امنیتی به طور ویژه انجام می‌شد- غالباً سیاست‌های دفاعی و امنیت داخلی- (Brazova et al, 2013: 2). در اولین سال‌های تاسیس، گروه ویشاگراد نقش مهمی در گفت‌وگو با ناتو و اتحادیه‌ی اروپا داشت. بعد از آن، شدت همکاری تاحدی تضعیف شد و تا سال ۱۹۹۸ بعد از انتخابات پارلمانی در جمهوری چک

و اسلواکی دوباره قوت گرفت. توسط محتوای همکاری ویشاگراد^۱ که در نشست نخست- وزیران در ۱۴ می ۱۹۹۹ و در براتیسلاوا^۲ تصویب شد، حوزه‌ی همکاری‌های بیشتر، به طور دقیقتر مشخص شد (Brazova et al, 2013: 5).

ارکان این گروه شامل ریاست، صندوق بین‌المللی ویشاگراد، کنفرانس وزرای امور خارجه، شورای سفر، مجموعه‌ای از کارگروه‌ها مثل کارگروه انرژی و نیز نهاد ثبت اختراع ویشاگراد و گروه رزمی مشترک است. این دو رکن اخیر هنوز عملیاتی نشده‌اند و فقط در اسناد این گروه، به تشکیل‌شان اشاره شده‌است. ویشاگراد را گروه می‌نامند و نه سازمان، چرا که دارای دبیرخانه نیست، دارای تشکیلات منظم و رسمی نیست و نیز دارای اساسنامه‌ای که به این گروه شخصیت حقوقی ببخشد، نیست. همچنین برخلاف سازمان‌های مهم که بر روی یک هدف متمرکزاند، گروه ویشاگراد بر روی طیف وسیعی از اهداف متمرکز است که در گذر زمان هم ممکن است برخی از این اهداف دچار تغییر شوند. ریاست این گروه به صورت دوره‌ای بوده و هر کدام از چهار عضو این گروه، هر چهار سال یکبار ریاست این گروه را برعهده خواهند داشت. ریاست برنامه‌ی یکساله‌ای را تنظیم، و به گروه ابلاغ می‌کند. این برنامه در سایت رسمی این گروه قابل دسترسی خواه بود. کنفرانس وزرای امور خارجه و شورای سفیران، دورکن مهم صندوق بین‌المللی ویشاگراد هستند. برعکس خود گروه ویشاگراد که دارای دبیرخانه نیست، صندوق این گروه سازمان‌یافته‌تر است و دارای دبیرخانه است. این موضوع از اهمیت سازماندهی امور مالی در نزد اعضای این گروه حکایت دارد.

گروه ویشاگراد، گروهی امنیتی است و در ابتدا با اهداف امنیتی و سیاسی بوجود آمد. مهمترین هدف امنیتی این گروه، کمک به عضویت اعضای آن در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا بود. یکی رکن امنیتی و دیگری رکن سیاسی این اهداف این گروه را تشکیل می‌داد که در انجام این دو هدف، موفق بود. در کنار این دو هدف، اهداف دیگری همچون کمک به گذار سیاسی اعضا از کمونیسم به سمت غرب، دموکراسی و بازرار آزاد، ترویج دموکراسی در

کشورهای همسایه، مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان‌یافته و مواد مخدر، کمک به حل معضل مهاجران، حل مشکل انرژی و کمک به تنوع‌بخشی مسیرهای انتقال انرژی، مبارزه با جرایم سایبری و حفظ حقوق معنوی شرکت‌ها و اتباع و نیز تشکیل ارتشی مشترک به نام نیروی رزمی مشترک نیز در دستور کار و بررسی این گروه قرار داشته و دارد.

مبحث دوم: رویکرد گروه ویشاگراد به امنیت

دو امر در نگاه کشورهای عضو گروه ویشاگراد مفروض است: ۱- وجود دموکراسی و بازار آزاد و ارزش‌های لیبرالی- غربی - که در مقابل ارزش‌های حکومت‌های اقتدارگرایانه و سرکوب‌گر است- به ایجاد صلح و ثبات در منطقه‌ی اروپای شرقی کمک می‌کند. بنابراین اعضای این گروه از روی کار آمدن حکومت‌های دموکرات و طرفدار غرب در کشورهای منطقه‌ی اروپای شرقی حمایت می‌کنند و در صدد عضویت کشورهای این منطقه در سازمان‌های همکاری و امنیتی بین‌المللی از جمله اتحادیه‌ی اروپا و ناتو هستند. در اعلامیه- ی ۲۰۰۴ گروه ویشاگراد آمده است که کشورهای عضو این گروه آماده‌اند تا کشورهایی را که مایل به عضویت در اتحادیه‌ی اروپا هستند، با انتقال و اشتراک دانش و تجارب خود، یاری کنند. همچنین کشورهای عضو ویشاگراد آماده هستند تا سیاست‌های اتحادیه‌ی اروپا را به سمت کشورهای شرق و جنوب شرقی اروپا جهت‌دهی و اجرا کنند و در این امر سهیم باشند (Visegrad Declaration of Kroměříž, 2004). در نشست سالانه‌ی وزرای امور خارجه‌ی کشورهای گروه ویشاگراد و کشورهای بالکان غربی که در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۶ و در ورشو و تحت ریاست لهستان بر این گروه و با همراهی نمایندگان بلغارستان، کرواسی، ایتالیا، رومانی و اسلونی و نیز نایب رئیس کمیسیون اروپایی، خانم فدریکا موگرینی^۱ برگزار شد، اعضای این گروه بر عضویت کشورهای غرب بالکان در اتحادیه‌ی اروپا تاکید و آن را ابزاری ارزشمند برای رسیدن به امنیت، ثبات و شکوفایی غرب بالکان دانستند (The Visegrad Group Joint Statement on the Western Balkans, 2016). ۲-

1- Federica Mogherini

و امنیت منطقه است. البته این نکته‌ی دوم، از نکته‌ی اول ناشی می‌شود و ریشه‌ی هردوی این مفروضات در خفقان دوران کمونیستی نهفته است و اقدامات روسیه از جمله ایجاد دو بحران گازی در ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، جنگ با گرجستان در ۲۰۰۸ و قضایای اکراین و الحاق کریمه در ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، از جمله عوامل پدیدار شدن این دو مفروض با شدت بیشتر در ذهن کشورهای گروه ویشاگراد است. نتیجه‌ی این دو مفروض در سیاست خارجی کشورهای گروه ویشاگراد، حرکت به سمت ناتو و اتحادیه‌ی اروپا بود. همه‌ی کشورهای گروه ویشاگراد در سال ۲۰۰۴ وارد اتحادیه‌ی اروپا شدند. پیش از آن، سه تا از این کشورها (به استثنای اسلواکی) به ناتو پیوستند. این امر یکی از اهداف گروه ویشاگراد بود که پس از تحقق آن، هدف این گروه کمک به الحاق اسلواکی به ناتو بود که این امر در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد (Brazova et al, 2013).

مفهوم تهدید که ارتباط تنگاتنگی با امنیت دارد، نزد این کشورهای گروه ویشاگراد، سیری وابسته به زمینه‌ی تاریخی-امنیتی اروپای شرقی را پیموده است. در بدو تاسیس این گروه، تهدید نظامی و بازگشت به دیکتاتوری دوران کمونیستی تهدید جدی تلقی می‌شد؛ اما اندکی بعد مفهوم تهدید بیشتر به سمت مخاطرات طبیعی مثل سیل و زلزله تغییر کرد. در مورد مدیریت بحران، این کشورها با تهدیدات مشابهی مواجه‌اند. بر اساس پایگاه داده‌ی ¹EM-DAT، وخیم‌ترین فاجعه‌ی طبیعی در این چهار کشور، سیل و طوفان است. گرچه برخی فجایع فنی نیز وجود داشته است - بیشتر در مجارستان و در مقیاسی کوچکتر در اسلواکی - اما هیچ یک از آنها کل منطقه را متاثر نکرده است (البته نشت آلمومین از کارخانه-ی مجارستانی آجکا² در سال ۲۰۱۰، بر اسلواکی که در قسمت پایین رودخانه‌ی دانوب واقع بود تاثیر گذاشت و این کشور را مجبور به اجرای طرحی فوری در پاسخ به این بحران کرد) (Brazova et al, 2013: 12). دامنه‌ی تهدیدات وسیعی توسط گروه ویشاگراد مورد شناسایی قرار گرفته است. با نبود یک بستر خاص برای همکاری‌های امنیتی، بسیاری از

1- CRED (Centre for Research on the Epidemiology of Disasters), 2013. The International Disaster database Emdat, Brussels, Belgium: School of Public Health, Universite Catholique de Louvain

2- Ajka

مسائل مرتبط با امنیت هنوز در دستورکار قراردارند. اعلامیه‌های رسمی چنین تهدیداتی را در قالب تروریسم، افراط‌گرایی، جرایم مجازی یا قاچاق بیان می‌کنند؛ اما موضوعی که بیشترین توجه را به خود معطوف کرده‌است، مبحث امنیت انرژی است؛ وضعیتی که ناشی از بحران گازی سال ۲۰۰۹ بود و در آن اسلواکی مجبور به اعلام وضعیت اضطراری به علت نبود منابع گازی کافی شد، و این موضوع در اعلامیه‌ی ۲۰۱۱ براتیسلاوا منعکس شد و هم توسط چک و لهستان- در زمان ریاستشان بر گروه- به عنوان اولویت منافع مشترک شناخته شد (Brazova et al, 2013: 19).

امنیت (به بیان دقیقتر از منظر دفاعی) در ابتدا بخش مهمی از این گروه بود، اما با دسترسی کشورهای عضو این گروه به ناتو (۱۹۹۹ و ۲۰۰۴) و اتحادیه‌ی اروپا (۲۰۰۴)، نقش این گروه در این زمینه تضعیف شده است. توجه این گروه در سال ۲۰۰۱ معطوف به امنیت غیرنظامی^۱ شد (Brazova et al, 2013: 2) و اقداماتی که در این زمینه در خور توجه است، از سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳ آغاز شد. اما تا قبل از عضویت اعضای گروه ویشاگراد در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، همیشه ترس از وقوع تهدیدات نظامی و امنیتی از طرف کشورهای همسایه و به خصوص روسیه، دیگر فعالیت‌های گروه ویشاگراد در سایر زمینه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌داد.

هنگام بحث در مورد تهدید و امنیت در اروپای شرقی، همواره باید توجه خاصی به روسیه داشت. برخلاف اروپای مرکزی، حضور نظامی روسیه به‌عنوان جزو مهمی از وضعیت امنیتی اروپای شرقی باقی ماند. هنوز هم تاسیسات نظامی و پایگاه‌های روسیه در بلاروس و مولداوی (مستقر در ترانسنیستریا^۲)، اکراین (کریمه)، در سرزمین گرجستان (آبخازیا و اوستیای جنوبی)، ارمنستان (پایگاه نظامی)، و آذربایجان (سیستم هشدار سریع رادار) مستقر هستند. اینکه آیا اقدامات روسیه در طی دوره‌های مختلف باعث ثبات یا بی-ثباتی منطقه شده‌است، محل بحث است؛ و نیز واکنش اندک کشورهای این منطقه به حضور نظامی روسیه در این منطقه خود گواه این امر است که این عاملی است که باعث

1- Civil security

2- Transnistria

ایجاد حساسیت در روسیه می‌شود. در هر موردی، مشارکت نظامی روسیه در اروپای شرقی، تصور این موضوع که راه‌حل مسئله‌ی امنیت در منطقه بدون همکاری روسیه میسر باشد را دشوار می‌کند (Swiezak, 2012: 8, 9). در مجموع می‌توان گفت که اعضای گروه ویشاگراد، روسیه را همواره یک تهدید برای منطقه‌ی اروپای شرقی می‌دانند و این امر از نشانه‌های چندی پیداست. از جمله حرکت به سمت ناتو و اتحادیه‌ی اروپا و موضع‌گیری علیه روسیه در قضایای اکرین و گرجستان و عواملی دیگر.

مبحث سوم: اقدامات مهم گروه ویشاگراد از بدو تاسیس تاکنون

در این مبحث، با ارایه‌ی آماری و برشمردن اقدامات گروه ویشاگراد از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷، به بررسی تحول رویکرد گروه ویشاگراد از امنیت سخت به امنیت نرم پرداخته می‌شود.

الف) اقدامات مهم گروه ویشاگراد از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴

تا قبل از سال ۲۰۰۴، دو اتفاق مهم برای اعضای این گروه رخ می‌دهد. کشورهای جمهوری چک، لهستان و مجارستان در چهارمین فاز توسعه ناتو در سال ۱۹۹۹، به این سازمان ملحق می‌شوند. اسلواکی هم در سال ۲۰۰۴ به ناتو ملحق شد. اتفاق مهم دیگر، عضویت هر چهار کشور در اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۴ بود. پس سال ۱۹۹۹ و به خصوص ۲۰۰۴، دو سال سرنوشت ساز برای اعضای گروه ویشاگراد بود. تا قبل از ۲۰۰۴-۲۰۰۳، غیر از این دو مورد، اتفاق دیگری که از اهمیت برخوردار باشد، در تقویم این گروه دیده نمی‌شود (جز تاسیس صندوق بین‌المللی ویشاگراد در سال ۲۰۰۰). این دو اتفاق، به لحاظ کمیت کم، اما به لحاظ کیفیت بسیار سنگین و بااهمیت هستند، چرا که در امنیت نظامی و سیاسی و حتی اقتصادی این چهار کشور، اثری ژرف داشتند. اما پس از سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳، که استارت آن از سال ۲۰۰۰ خورده شده بود (با عضویت سه کشور از اعضای گروه ویشاگراد در ناتو) این گروه با خیالی آسوده، به سمتی انجام طیف وسیعی از اقدامات امنیتی و سیاسی و محیط‌زیستی و فرهنگی و اقتصادی روی می‌آورد که به لحاظ سنگینی و کیفیت، به پای دو هدف اولیه‌ی این گروه نمی‌رسد. تا سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳، این گروه محلی

برای هماهنگی و همکاری است، چرا که تمرکز بر روی دو هدف مهم است. اما پس از این مهم، دیگر این گروه بعد از ۲۰۰۳-۲۰۰۴، خصلتی هماهنگ کننده به خود می‌گیرد. این گروه بعد از سال ۲۰۰۴، دست به طیف وسیعی از اقدامات امنیتی و سیاسی زد و در مسایل مختلف موضع‌گیری کرد، که شاید بتوان قاطعیت در برخی موضع‌گیری‌ها به خصوص در برابر روسیه را ناشی از پشت‌گرمی به ناتو و اتحادیه اروپا دانست.

ب) اقدامات مهم گروه ویشاگراد پس از سال ۲۰۰۴

مهمترین اقدامات گروه ویشاگراد بعد از سال ۲۰۰۴ در حوزه‌های بااهمیت و چالش برانگیز شامل حوزه‌ی امنیت نظامی، امنیت انرژی، برخورد با تروریسم، مهاجران و نهاد ثبت اختراع قابل بررسی است.

۱- امنیت نظامی

گروه ویشاگراد به ناتو به‌عنوان تنها سازمان مهم امنیتی در اروپا نگاه می‌کند. همچنین به حضور قدرتمند آمریکا در اروپا، به‌عنوان عامل مهم ثبات در اروپا می‌نگرند. دیگر ترتیبات امنیتی در اروپا نزد کشورهای گروه ویشاگراد چندان محلی از اعراب ندارند. ترتیباتی مثل CSCE^۱ که به خصوص در جنگ یوگوسلاوی ناکارآمد بود و همین امر از اشتیاق کشورهای اروپایی به پیوستن به این نهاد کاست (Larrabee, 1993: xvi).

همکاری در زمینه دفاعی مستحکم است، چرا که یکی از اهداف گروه ویشاگراد، کار بر روی یک سیستم دفاعی مشترک و حفظ آن است. گرچه، به جز لهستان، دیگر کشورها با کمبود منابع مالی در بخش دفاعی مواجه‌اند. همکاری بین کشورهای این گروه در برخی زمینه‌های دفاعی، به‌خصوص کنترل مرزها و ضدتروریسم، می‌تواند به لحاظ هزینه‌ای به‌صرفه‌تر از سازماندهی انفرادی این کشورها جهت فعالیت در این زمینه‌ها باشد (Brazova et al, 2013: 29, 30). وزرای دفاع و مدیران سیاسی وزرای دفاع عضو گروه ویشاگراد در نشست‌های در سال ۲۰۱۱، امکان ایجاد گروه نبرد^۲ مشترک را برای این گروه بررسی کردند.

1- Conference on Security and Cooperation in Europe

2- Battle group

[وجود] این گروه نبرد به طور رسمی در سال ۲۰۱۲ و توسط وزرای دفاع گروه ویشاگراد اعلام شد و این گروه نبرد می‌بایست تا سال ۲۰۱۶ عملیاتی شود. محتوای چنین همکاری‌هایی، به وسیله‌ی تحلیل‌هایی از جانب کارشناسان گروه ویشاگراد در قالب پروژه‌ی IFV (همکاری امنیتی نوآورانه‌ی ویشاگراد) - که شامل توصیه‌هایی برای همکاری بیشتر در حوزه‌های امنیتی و دفاعی است - مورد تسهیل قرار می‌گیرند (Brazova et al, 2013: 18). به نظر اعضای گروه ویشاگراد، ایجاد واحد نظامی چندملیتی بیشترین نفع سیاسی را برای این کشورها به ارمغان می‌آورد. براساس تعهدات این کشورها به ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، می‌بایست برای ایجاد نیروی منطقه‌ای که بتواند به طور مرتب در خدمت ناتو و اتحادیه باشد یا حتی در مواقع لزوم در چارچوبی خارج از این دو نهاد مورد استفاده قرار گیرد، تلاش خود را انجام دهند. این نیرو می‌تواند یک تقویت‌کننده در فهرست نظامی اعضای ویشاگراد باشد. گروه نبرد اروپایی ویشاگراد که طبق برنامه قرار است در نیمه‌ی اول ۲۰۱۶ تاسیس شود، مبنایی محکم برای این هدف است. این گروه نبرد می‌بایست تبدیل به مبنایی برای همکاری دائمی بیشتر شود. تاسیس این گروه نبرد به عنوان نیروی پیش‌برنده‌ی توسعه‌ی همکاری در چارچوب ویشاگراد دیده‌می‌شود (Joint Statement 2014).

بحث گروه نبرد مشترک، از جمله دلایلی است که به تضعیف فرضیه‌ی این رساله می‌انجامد، چرا که در فرضیه، گفته شد که گروه ویشاگراد پس از کمک به همگرایی و ادغام در ساختارهای ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، از سال ۲۰۰۴ دچار ضعف و رخوت خواهد شد. اما عملکرد این گروه و از جمله اعلامه برنامه مبنی بر تاسیس نیروی نظامی جداگانه، خود گواه این امر است که این گروه بعد از سال ۲۰۰۴ به حاشیه کشانده نشده، بلکه عملکردی مستقل دارد و اعضای آن، این گروه را محلی مناسب برای هماهنگی سیاست‌های خود و اتخاذ تصمیمات مهم و تریبونی جهت اعلام سیاست‌های و مواضع خود یافته‌اند. اما باید به این امر توجه داشت که حتی تا اواسط سال ۲۰۱۷، چنین گروهی تشکیل نشده‌است.

۲- امنیت انرژی

کشورهای گروه ویشاگراد از واردکنندگان انرژی و به خصوص سوخت‌های فسیلی

هستند. کشورهای این منطقه به دلیل قرار گرفتن در اقلیم سرد و معتدل، به‌خصوص به گاز طبیعی وابسته‌اند. بخش اعظم گاز مصرفی این کشورها از طریق روسیه تامین می‌شود که این امر باعث بروز چالش‌هایی بین کشورهای این منطقه و روسیه شده است که در دو بحران انرژی اروپای شرقی و مرکزی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ تجلی یافت‌اند. در مورد زمینه‌های بروز این دو بحران عوامل اقتصادی و سیاسی از جمله مناقشه روسیه و کشورهای اروپایی بر سر اکراین دخیل بوده‌اند.

میزان وابستگی کشورهای گروه ویشاگراد به گاز روسیه به این قرار است: جمهوری چک ۸۵,۵ درصد به منابع گازی روسیه وابسته است. همچنین سهم گاز در سبد انرژی این کشور حدود ۱۴,۲ درصد است. سهم گاز روسیه در سبد گازی مجارستان ۴۹,۵ درصد است و سهم گاز در سبد انرژی این کشور ۱۹,۷ درصد است. سهم گاز روسیه در سبد گازی لهستان ۵۴,۲ درصد است و سهم گاز در سبد انرژی این کشور ۸,۳ درصد است. اسلواکی در میان کشورهای گروه ویشاگراد بیشترین وابستگی را به گاز روسیه دارد و سهم گاز روسیه در سبد گازی این کشور ۶۳,۳ درصد و میزان سهم گاز در سبد گازی این کشور، ۲۰,۳ درصد است (جوکار، بی تا: ۳). در فصل دوم، در جایی که صحبت از امنیت انرژی و مسیرهای انتقال گاز و نفت خام به میان آمد، ذکر شد که کشورهای گروه ویشاگراد جزو واردکنندگان گاز طبیعی هستند و اسلواکی، به دلیل قرار گرفتن در مسیر انتقال گاز طبیعی، جزو مهمترین واردکنندگان و نیز صادرکنندگان گاز طبیعی در جهان است، علی‌رغم اینکه ذخایر گازی اثبات شده‌ی این کشور اندک است - حدود ۱۴,۱۶ میلیارد متر مکعب - اما صادرات گازی این کشور بسیار زیاد و در حدود ۴۵,۴۳ میلیارد متر مکعب و واردات گاز این کشور حدود ۵۰,۱۸ میلیارد متر مکعب در سال است که حدود ۶۳,۳ درصد آن از روسیه تامین می‌شود. براین اساس لهستان، مجارستان و جمهوری چک در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

امنیت انرژی در دستور کار این گروه قرار دارد. از تنوع مسیرها، منابع و تامین‌کنندگان و نیز توسعه‌ی زیرساخت انرژی با توجه ویژه به ارتباط متقابل شمال و جنوب، به عنوان ابزاری عملی یاد شده است (Brazova et al, 2013: 7). در زمینه‌ی امنیت انرژی، هنگامی

که صحبت از دالان انرژی شمال-جنوب (ابتکاری که توسط گروه ویشاگراد به علاوه رومانی و بلغارستان گسترش یافته است) به میان می‌آید، بازار انرژی اسکاندیناوی الهام بخش است (Brazova et al, 2013: 10).

در دیدگاه سران کشورهای عضو ویشاگراد، تامین انرژی و به خصوص نگاه به غرب برای تنوع بخشی به مسیرهای تامین انرژی بسیار اهمیت دارد و این دیدگاه در بیانیه‌های رسمی اعضای گروه ویشاگراد مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. «همان‌گونه که وقایع رخ داده در اکرین تداعی کننده‌ی خاطرات دوران جنگ سرد است، دورانی که همه کشورهای ما [چهار کشور عضو ویشاگراد] به شدت دچار رنج بودیم، ما این نامه را جهت تاکید بر اهمیت مشارکت ایالات متحده‌ی آمریکا در مرکز و شرق اروپا، و به طور خاص در حوزه‌ی امنیت انرژی و تامین قابل اطمینان گاز طبیعی، می‌نویسیم». علاوه بر تلاش برای تنوع بخشی به تامین کننده‌گان گاز، وابستگی ما به واردات گاز طبیعی از یک تامین کننده بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد است و بحران انرژی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ نشان داد که منطقه مرکز و شرق اروپا نسبت به مخاطرات امنیت انرژی آسیب پذیرتر از دیگر نقاط اروپا است. امنیت انرژی همچنان بخش مهمی از ثبات و استقلال ژئواستراتژیک منطقه باقی مانده است (Letter of Visegrad ambassador, 2014).

لهستان حدود ۹۵٪ نفت مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کند. و این دلیلی است که لهستان در مسیر خط لوله‌ی شمالیه دروزبا قرار گرفته است و دو پالایشگاه مهم لهستان به این خط لوله متصل‌اند. لهستان به جز این دو پالایشگاه مهم، سه پالایشگاه کوچک هم در جنوب دارد که نقش چندانی در صنعت این کشور ندارند (Thim, kulhanek, 2008: 48). میزان مصرف گاز در لهستان به نسبت اندک است و حدود ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال است. لهستان با این مقدار مصرف، کمترین میزان مصرف به ازای هر فرد را در بین کشورهای اتحادیه‌ی اروپا دارد. گرچه گاز برای صنعت لهستان و به خصوص صنایع نفتی و شیمیایی آن بسیار مهم است. مسئله‌ی تهدید کننده در بخش انرژی لهستان

این است که حدود ۷۰٪ گاز این کشور از روسیه تامین می‌شود و فقط ۳۰٪ نیاز گاز لهستان از منابع داخلی آن تامین می‌شود. مشکل دیگری هم که لهستان در بخش انرژی گازی با آن روبرو است، این است که کیفیت گاز داخلی آن با گاز روسیه فرق می‌کند و در متان غنی نیست (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 48). در انجام این تحقیق گاهی برخی امار ممکن است که مغایرت داشته باشند و علت هم آن است که از منابع چندگانه‌ای استفاده شده است که این منابع اطلاعات ثانویه در اختیار کاربران قرار می‌دادند، اما می‌توان گفت که لهستان بیش از ۵۴ درصد در زمینه‌ی گاز به روسیه وابسته است. در این منبع اخیر هم به ۷۰ درصد اشاره شده است.

لهستان در پی انجام اقداماتی هست تا امنیت انرژی خود را ثبات بخشد. برای مثال، می‌توان از پروژه‌ی پایانه‌ی LNG در ساحل لهستانی دریای بالتیک و نیز احتمال اتصال به منابع گاز فراساحلی نروژ که به خطلوله‌ی بالتیک^۱ معروف است و خطوط زیردریایی است که از دانمارک آغاز می‌شود، اشاره کرد (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 48). لهستان زیرساخت‌های ساحلی لازم را جهت واردات نفت از دریای بالتیک در اختیار دارد (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 49). لهستان می‌داند که روسیه درصد کنترل بر زیرساخت‌های انتقالی [نفت و گاز و انرژی] در این منطقه است. بنابراین پروژه‌های مثل اودسا-برودی-پولاک^۲ که در آن قرار است خط لوله‌ای از دریای خزر از طریق آذربایجان، گرجستان، اکراین و لهستان به گدانسک کشیده شود، برای روس‌ها حساسیت برانگیز است. گرچه این پروژه از نظر سیاسی حساسیت برانگیز است، اما از نظر اقتصادی بسیار به صرفه است (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 49, 50). این پروژه در حال حاضر به دریای خزر نرسیده است، اما سیاست‌های کشورهای ذی‌نفع در جهت رساندن این خط لوله که اکنون اودسا-برودی نام دارد، به دریای خزر است و کشورهای گروه ویشاگراد نگاه ویژه‌ای به آن دارند. هدف لهستان [و دیگر کشورهای گروه ویشاگراد] استفاده از نفوذ اتحادیه‌ی اروپا یا به بیانی دقیق‌تر، چارچوب مقررات تنظیمی اتحادیه‌ی اروپا برای افزایش امنیت انرژی است

1- Baltic Pipe

2- Odessa- Brody- Plock

(Thim, kulhanek, Chen, 2008: 49). لهستان به عنوان عضوی از گروه ویشاگراد، به دنبال یافتن سازوکاری است تا در مقررات اتحادیه‌ی اروپا، بندهایی مبنی بر همگرایی بیشتر در زمینه‌ی انرژی قرار گیرد (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 48). اقدام دیگری که کشورهای گروه ویشاگراد انجام داده‌اند، الحاق به آژانس بین‌المللی انرژی^۱ جهت اتصال به بازار نفت است. لهستان آخرین کشور از اعضای ویشاگراد بود که به این آژانس پیوست (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 48).

جمهوری چک برای تامین امنیت منابع انرژی خود چه گزینه‌هایی دارد؟ در کوتاه مدت که معمولاً یک دوره‌ی ۹۰ روزه تا یک ساله را دربر می‌گیرد، کشورها به دنبال تامین امنیت منابع انرژی خود هستند، اما این راهکاری موقت است. برای تامین طولانی مدت امنیت انرژی، کشورها می‌بایست نفوذ خود در کشورهای که این منابع در آن قرار دارند [یا خطوط لوله از آن کشور می‌گذرد] را گسترش دهند. با در نظر گرفتن اندازه و میزان نفوذ چک، می‌توان دریافت که این کشور زمانی می‌تواند به گسترش نفوذ خود مبادرت ورزد که بخشی از یک ائتلاف^۲ باشد. این ائتلاف می‌تواند یک ائتلاف منطقه‌ای باشد، مثل گروه ویشاگراد، و از همه مهمتر، عضویت در اتحادیه‌ی اروپا. وقتی در مورد امنیت انرژی صحبت می‌شود، عضویت در ناتو هم برای کشور چک بسیار مهم است. پس به نظر می‌رسد که راه‌حل جمهوری چک برای تامین امنیت انرژی خود، یک راه‌حل سیاسی باشد (Thim, kulhanek, Chen, 2008: 52) که در آن پیوستن به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای مثل گروه ویشاگراد و اتحادیه‌ی اروپا و ناتو از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

هنگام بحث از امنیت انرژی منطقه‌ی شرق اروپا و به‌خصوص کشورهای گروه ویشاگراد، باید به سیاست‌های انرژی اتحادیه‌ی اروپا هم توجه خاصی داشت، چرا که اتحادیه‌ی اروپا جایگاه خاصی در معادلات امنیتی گروه ویشاگراد به‌خصوص در بخش امنیت انرژی دارد. اتحادیه‌ی اروپا همچنان از یک سیاست مشترک کارآمد در زمینه‌ی انرژی و حتی یک بازار مشترک انرژی بی‌بهره است. [در این زمینه] اختلاف نظر بین منافع اعضای

1- International Energy Agency
2- Coalition

جدید و قدیمی اتحادیه‌ی اروپا وجود دارد. منافع مالی شرکت‌های بزرگ چندملیتی در بخش انرژی بر واکنش اروپا نسبت به سیاست‌های نفتی و گازی روسیه، بسیار تاثیرگذار است. سیاست تفرقه‌بنداز و حکومت کن روسیه در قبال اروپا همچنان ادامه دارد. شرکت گازپروم^۱ [روسیه] قادر است تا از کشورهای فقیرتر بالتیک قیمت بالاتری از گاز طبیعی را در مقایسه با آلمان و ایتالیا طلب کند و این امر ناشی از جایگاه چانه‌زنی ضعیف‌تر کشورهای مرکز و جنوب شرقی اروپاست. پروژه‌های خطوط انتقال گاز نابوکو^۲ و نفت اودسا-برودی، که درصدد انتقال منابع انرژی غیر روسی به اروپا هستند، همواره با سنگ‌اندازی از سوی روسیه مواجه شده‌اند (Smith, 2010: 1). پس پیوستن کشورهای ضعیف‌تر اروپایی به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای مثل گروه ویشاگراد، برای بالابردن قدرت چانه‌زنی و هماهنگی سیاست‌های خارجی، از اهمیت خاصی برای این کشورها برخوردار است.

جمهوری اسلواکی به دو دلیل از اهمیت خاصی در زمینه‌ی انرژی در بین کشورهای گروه ویشاگراد برخوردار است. اول به دلیل قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی گازی شرق به غرب؛ چرا که حجم زیادی از گاز طبیعی به خصوص از طریق روسیه وارد این کشور می‌شود و بیشتر این مقدار صادر می‌شود. دوم درصد بالایی از انرژی الکتریکی این کشور از طریق انرژی هسته‌ای تامین می‌شود و این کشور در بین کشورهای گروه ویشاگراد در این زمینه رتبه‌ی اول و در بین کشورهای جهان رتبه‌ی ششم را دارد. به نظر می‌رسد ایجاد مسیرهای جایگزین خطوط گازی روسیه، بدون در نظر گرفتن نقشی برای جمهوری اسلواکی، به ضرر این کشور تمام شود.

در مجموع، طرح‌هایی برای کاهش وابستگی اروپای شرقی به انرژی و به خصوص گاز طبیعی روسیه ارائه شده‌است، و در این مسیر کشورهای ویشاگراد تلاش‌هایی را انجام می‌دهند؛ اما در این زمینه توفیق چندانی نداشته‌اند و همچنان اجرای چنین طرح‌هایی زمان و هزینه‌ی زیادی می‌طلبد، ضمن این‌که قطع وابستگی کامل از روسیه و جایگزینی آن با

1- Gasprom
2- Nabucco

تامین‌کننده‌ای دیگر از منطقه‌ی قفقاز و خزر یا خاورمیانه، در کوتاه مدت عملی نیست و شاید نفع کشورهای این منطقه، در توازن تامین از این سه منطقه باشد و وابستگی بیش‌از حد به یکی - همانطور که در مورد روسیه مشاهده شد- از جمله عوامل تهدید انرژی در این منطقه باشد.

۳- ویشاگراد و مبارزه با تروریسم

گرچه حضور در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا برای کشورهای عضو ویشاگراد منافع زیادی دارد، اما این امر باعث ایجاد یک تهدید بالقوه‌ی امنیتی برای منطقه [ی اروپای شرقی] می‌شود، و آن مربوط به تروریسم بین‌المللی است؛ چرا که کشورهای عضو گروه ویشاگراد متهم به حمایت و همکاری با دشمنان قدیمی جهادی‌های جهانی^۱ هستند- آمریکا و قدرت‌های استعمارگر سابق اروپای غربی- (Rekawek, 2011: 27). حضور نیروهای کشورهای گروه ویشاگراد در جنگ آمریکا با عراق و سایر کشورهای اسلامی به نام مبارزه با تروریسم، می‌تواند عاملی بر جذب نفرت گروه‌های تروریستی از این کشورها باشد و این کشورهای را به هدفی برای حملات تروریستی گروه‌های افراطی تبدیل کند. در دخالت آمریکا در عراق، لهستان حمایتی معنادار و قابل توجه از آمریکا کرد و نیروی قابل توجهی -در حدود ۲۲۰۰ سرباز- به عراق اعزام داشت. اسلواکی با ۱۱۰ نیرو، مجارستان با ۳۰۰ نیرویی که تحت فرماندهی لهستان و چک با ۳۰۰ نیرویی که تحت فرماندهی بریتانیا اعزام داشتند، در جنگ عراق شرکت کردند (Rekawek, 2011: 27). معاون بن‌لادن در القاعده، یعنی ایمن الظواهری^۲، در سخنانش دوبار لهستان و یک بار مجارستان را به عنوان اشغال‌گران عراق و دشمن تمام مسلمانان خطاب کرده‌است. وی همچنین از گروه‌های جهادی/تکفیری اسلامی خواسته است که از این دولت‌ها انتقام بگیرند و به منافع لهستان و مجارستان (و دیگر دولت‌ها) در سراسر جهان حمله کنند (Rekawek, 2011: 28). به خاطر ضعیف‌تر بودن سطح امنیت در فرودگاه‌های اروپای شرقی نسبت به غرب اروپا، احتمال وقوع حملات تروریستی با هوایما (مشابه یازده سپتامبر) در پراگ و ورشو وجود دارد. بین

1- Global Jihadists
2- Ayman al Zawahiri

سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، اعلام شد که گروه‌های جهادی اسلامی قصد حمله به اهداف یهودی در پراگ و بوداپست را دارند، و در همان زمان در کریسمس ۲۰۰۵، نیروی ضربت پلیس لهستان در مراکز خرید و بازارها مشغول گشت‌زنی بود تا جلوی حملات تروریستی احتمالی را طی شلوغ‌ترین زمان خرید سال بگیرد (Rekawek, 2011: 29). البته به علت کمبود زیرساخت‌های گروه‌های جهادی و کم‌بودن اقلیت‌های اسلامی در کشورهای گروه ویشاگراد، تاکنون این چنین طرح‌های حمله‌ای ناکام مانده‌اند. تا کنون^۱ عملیات تروریستی خاصی در منطقه‌ی اروپای شرقی رخ نداده است و فقط در سال ۲۰۰۷، سفیر لهستان در عراق، ادوارد پیترزیک^۲ مورد سو قصد تروریستی قرار گرفت (Rekawek, 2011: 29, 30). تاکنون کشورهای گروه ویشاگراد به ندرت گزارشی مبنی بر دستگیری یا محکومیت افراد به اتهام فعالیت‌های تروریستی منتشر کرده‌اند (Rekawek, 2011: 30). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تا کنون چهار عضو گروه ویشاگراد با تهدید تروریستی که ماهیت راهبردی داشته باشد، روبرو نبوده‌اند. قبل از ۱۹۸۹ هم سه کشور چک‌اسلوواکی، مجارستان و لهستان که از اقمار شوروی بودند، از تهدید تروریسم مصون بودند (البته رکاوک، نویسنده‌ی کتاب جنبه‌های غیرنظامی امنیت در کشورهای گروه ویشاگراد، علت این امر را همکاری شوروی با جنبش‌های تروریستی و انقلابی می‌داند که در اینجا گردآورنده‌ی کتاب با یکی در نظر گرفتن جنبش‌های تروریستی و انقلابی، دچار خلط مبحث شده و از این نظر، ایرادی به کار وی وارد است) (Rekawek, 2011: 26). پراکندگی جمعیت مسلمانان و تعداد اندک آنان در این چهار کشور برای مثال حتی یک مسجد در اسلوواکی وجود ندارد- بر تهدید تروریست [البته از نوع تکفیری-خاورمیانه‌ای آن] فائق آمده است. در ضمن، نزدیکی و داشتن ارتباط با کشورهای اروپای غربی که سابقه و تجربه‌ی بیش از ۴۰ سال مبارزه با تروریسم را داشته‌اند، نگرانی اندکی را متوجه این کشورها می‌کند (Rekawek, 2011: 26). رکاوک برای آمادگی بهتر کشورهای عضو ویشاگراد، برای مقابله با تهدید تروریسم، پیشنهادهای زیر را ارائه می‌کند: (Rekawek, 2011: 30-33).

۱- یعنی تا زمان نوشتن این مقاله در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷.

۱-۳- گسترش توانایی و ظرفیت ضدتروریستی داخلی: در این زمینه کشورهای عضو گروه ویشاگراد باید از آژانس‌هایی که تجارب فعالیت‌های ضدتروریستی دارند، استفاده کنند. در این زمینه جمهوری چک به تاسیس طرح اقدام ملی برای مبارزه با تروریسم^۱ مبادرت ورزیده اما مشکل اساسی اینجاست که مبارزه با تروریسم جزو اولویت‌های کشورهای ویشاگراد نیست. در این زمینه، لهستان هم به تاسیس تیم بین‌المللی برای تهدیدات ناشی از تروریست^۲ مبادرت کرده است. ریاست این نهاد برعهده‌ی وزیر داخلی است تا دولت (لهستان) را راهنمایی کند. به علاوه در این نهاد، مرکزی جهت هماهنگی اطلاعاتی (مرکز ضدتروریست) تاسیس شده تا به عنوان نقطه‌ی تماس برای تمام نهادها و آژانس‌های امنیتی کشور باشد. مجارستان نوع متفاوتی از اقدامات ضدتروریستی را انجام داده است. این کشور مرکز ضدتروریستی (TEK) را در پاییز ۲۰۱۰ تاسیس کرد. مجارستان بودجه‌ای ۵۰ میلیون یورویی به این نهاد اختصاص داد و حدود ۹۰۰ تحلیل‌گر و کارمند برای آن استخدام کرد که اندکی برای مجارستان زیاده روی به‌نظر می‌رسید. این نهاد تا سال ۲۰۱۲ وب‌سایت نداشت و مسئولین آن از انجام مصاحبه خودداری می‌کردند. مخالفین حکومت مجارستان به آن برچسب پلیس مخفی می‌زدند. این نهاد مسئول پشتیبانی لجستیکی برای خروج شهروندان مجاری و دیگر شهروندان اروپای مرکزی از لیبی در سال ۲۰۱۱ بود.

۲-۳- با موفقیت تلاش‌های ضدتروریستی خود را اروپایی کنند^۳. در این زمینه وی پیشنهاد می‌کند که کشورهای گروه ویشاگراد، به فکر تاسیس سازمان‌ها و آژانس‌های جدید مبارزه با تروریسم نباشند و بیشتر بر همکاری در چارچوب‌های موجود اروپایی و سازمان‌های مربوطه متمرکز شوند.

در بیانیه‌های گروه ویشاگراد همواره نیم‌نگاهی هم به بحث تروریسم شده‌است. برای مثال در بیانیه‌ی مشترک اعضای این گروه در سال ۲۰۱۶، درمورد امنیت آمده‌است که ابزار اعتماد شهروندان در محیطی امن باید توسعه یابد. به همین دلیل رهنمودهای ضدتروریسم^۴

1- National Action Plan to Combat Terrorism
 2- The International Team for Terrorist Threats
 3- Europeanise
 4- Counter Terrorism Directive

می‌بایست مورد پذیرش قرار گیرد. در این بیانیه به انجام تعهدات در جهت تقویت سیاست دفاعی و امنیتی مشترک (CSDP)^۱ و انجام اقدامات لازم برای برخورد با تهدیدات جاری، از جمله تهدیدات چندگانه، سایبری و تروریسم، اشاره شده است. نخست‌وزیران کشورهای ویشاگراد تاکید دارند که همکاری ناتو و اتحادیه‌ی اروپا برای گسترش CSDP و امنیت اروپا حیاتی است (Joint Statement, 15 December 2016).

۴- ویشاگراد و مهاجران

دو نوع مهاجر و اقلیت برای این منطقه دارای اهمیت بوده و چالش‌زا شده‌است. یکی مهاجران و اقلیت‌هایی که متعلق به کشورهای گروه ویشاگراد هستند و بنابر دلایلی از جمله مهاجرت یا جدا شدن بخشی از خاک یکی از این کشورها، در حاکمیت کشوری دیگر به سر می‌برند. نوع دوم، مهاجرانی هستند که از خاورمیانه یا کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه، راهی اروپای غربی می‌شوند و معمولاً این افراد در مسیر رسیدن به اروپای غربی (آلمان، انگلیس، اتریش و فرانسه)، از ترکیه و اروپای شرقی (به خصوص مجارستان) می‌گذرند و این امر چالش‌هایی را برای کشورهای عضو گروه ویشاگراد ایجاد کرده است. سیل مهاجران از طریق مجارستان و کشورهای اروپای شرقی و جنوبی همچون ایتالیا، به سمت آلمان، اتریش و کشورهای شمال اروپا در حال حرکت است. سیاست خارجی مجارستان که بسیار بر سیاست خارجی ویشاگراد تاثیر گذار است، حمایت از اقلیت‌ها و مهاجران مجاری است. یک سوم ملت مجارستان فراسوی مرزهای این کشور زندگی می‌کنند و دولت مجارستان مسئولیت خاصی در قبال حمایت از جوامع اقلیت نژادی و فرهنگی خود احساس می‌کند. کشور اسلواکی هم حساسیت زیادی در رابطه با مهاجران و بخشی از جمعیت خود که به خصوص در جمهوری چک زندگی می‌کنند، دارد. نخست‌وزیر سابق مجارستان- ژوزف آنتال- زمانی گفته بود: مجارستان در قبال همه‌ی اقلیت‌های مجاری، صرف‌نظر از اینکه در کجا زندگی می‌کنند، احساس مسئولیت نموده و وی خود را نخست‌وزیر ۱۵ میلیون مجاری احساس می‌کند (در زمان وی مجارستان حدود ۱۰,۵ میلیون جمعیت

داشت و حدود ۴,۵ میلیون مجاری خارج از مرزهای جغرافیایی این کشور زندگی می‌کردند (ملکی، ۱۳۸۳: ۹۰). در بیانیه‌های صادر شده توسط این گروه، بحث مهاجران همواره یکی از مباحث مهم بوده‌است. در بیانیه‌ی مشترک کشورهای گروه ویشاگراد در حاشیه‌ی نشست بروکسل در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶، دو موضوع مهاجرت و امنیت مورد بحث این اعضا قرار گرفت (Joint Statement, 15 December 2016). بعد از بحران‌های اخیر خاورمیانه و جنگ‌های داخلی بین‌المللی شده‌ی عراق و سوریه، سیل عظیمی از مهاجران و آوارگان جنگ از طریق ترکیه وارد اروپای شرقی و به‌خصوص مجارستان شده‌اند. هرچند مجارستان هم نقطه‌ی پایان مسافرت این مهاجران و پناهجویان نیست و آنان درصدد حرکت به سمت اروپای غربی هستند، اما همین حضور جمعیت زیاد نیز بر امنیت این کشورها و به‌خصوص مجارستان تاثیر گذاشته‌است و چالش‌هایی را برای دولت مجارستان مطرح کرده است که هنوز در یک طرح آکادمیک مورد بررسی قرار نگرفته‌است. مجارستان همچنین شاهد سیل عظیمی از مهاجران از مرزهایش با صربستان است، به طوری که برای جلوگیری از ورود غیرقانونی این افراد، به کشیدن سیم خاردار در مرزهایش با صربستان مبادرت کرده است. نخست وزیر فعلی^۱ مجارستان، آقای ویکتور اووربن^۲ معتقد است که سیاست رهبران اتحادیه‌ی اروپا در پذیرش مهاجران بیشتر، می‌تواند خطرناک باشد. «ممکن است که یک روز صبح از خواب برخیزیم و ببینیم که در قاره‌ی خود، در اقلیت قرار گرفته‌ایم.» (Smith-Spark, 2015).

۵- نهاد ثبت اختراع ویشاگراد

یکی از ارکانی که کشورهای گروه ویشاگراد برای این گروه پیشبینی کرده‌اند، یک سازمان غیر دولتی به نام نهاد ثبت اختراع ویشاگراد^۳ است. این نهاد با هدف حفظ مالکیت معنوی و ثبت ارزان و آسان اختراع و نوآوری، جلوگیری از کپی غیرمجاز، برای حمایت از

۱- از ۲۰۱۰ تا زمان نگارش این پایان نامه در ۲۰۱۷ -

2- Viktor Orbán

3- Visegrad patent institute

شهروندان و موسسات مخترع و مبتکر و دارای آثاری با حق مالکیت معنوی در کشورهای عضو گروه ویشاگراد، براساس موافقتنامه ۲۶ فوریه ۲۰۱۵ در براتیسلاوا، شکل شد. البته این نهاد، قرار است پس از انتصاب رسمی از سوی مجمع اتحادیه‌ی بین‌المللی همکاری ثبت اختراع^۱ و تایید از سوی مجمع کشورهای عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی^۲ (WIPO) شروع به کار کند.

۶- صندوق بین‌المللی ویشاگراد و اقدامات آن برای مدیریت بحران و امنیت

صندوق گروه ویشاگراد که در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد، یکی از مهمترین ارکان این گروه است. این صندوق ساختار سازمانی منظم‌تری دارد و دارای دبیرخانه نیز هست. در جدول زیر، به مهمترین اقدامات این صندوق برای مدیریت بحران و امنیت در منطقه ویشاگراد اشاره می‌شود.

سال	نام پروژه (کشور هماهنگ کننده اصلی)	تامین بودجه ^۳ (به یورو)
۲۰۱۳	همکاری‌های بین مرزی برای امنیت آتش‌نشان‌های داوطلب ویرچوملا ^۴ ، پیونیزا دروج (لهستان) ^۵	۵,۹۹۰
۲۰۱۲	تشدید همکاری‌های تخصصی برای حمل‌ونقل جاده‌ای امنتر بین کشورهای ویشاگراد (مجارستان)	۱۵,۰۰۰
	کارگاه ساخت شبکه‌ی تحقیقات فضایی V4 و جنبه‌های اجتماعی مدیریت بحران (مجارستان)	۹,۰۰۰
	همکاری بهتر جهت نیل به عملکرد بهتر آینده‌ی گروه رزمی اتحادیه‌ی اروپای ویشاگراد (لهستان)	۲۰,۰۰۰
	نظام مدرن آموزش راننده به عنوان قدمی در کاهش آهنگ تصادفات (اسلواکی)	۱۰,۰۰۰

1- Assembly of the International Patent Cooperation Union

2- World Intellectual Property Organization

3- Funding

4- Wierchomla

5- Piwniczna Zdroj

	مسیر گاز شمال- جنوب و امنیت انرژی V4 (لهستان)	۸,۵۰۰
	تقویت سیستم همکاری پاسخ بشردوستانه در اروپای مرکزی (اسلواکی)	۱۰,۰۰۰
	حرکت به سمت راهبرد ایمنی جاده‌ی (مجارستان)	۶,۰۰۰
	نقشه‌برداری هوایی باجزئیات و نظارت اثرات سیل در منطقه‌ی V4 (اسلواکی)	۳۰,۰۰۰
۲۰۱۱	جلوگیری از بهمن در کوه‌های کارپاتیای اکراین- نظارت وضعیت کنونی (چک)	۵,۰۰۰
	همکاری‌های V4 در تضمین امنیت سایبری- تجزیه و تحلیل و توصیه‌ها (لهستان)	۴,۹۷۸
	چشم‌انداز امنیت جهانی محیط زیست (اسلواکی)	۹,۰۰۰
	هماهنگ کردن تعیین میزان تشعشع رادون در جمعیت در معرض آن در کشورهای V4 (مجارستان)	۱۶,۰۰۰
	مجمع جوانان ویشاگراد ۲۰۱۱ در مورد خط‌مشی‌های امنیتی و سیاسی مشترک (اسلواکی)	۵,۰۰۰
2009	مهندسی آتش (اسلواکی)	
	ایجاد فضای امنیتی در اروپای مرکزی وسیع‌تر (لهستان)	۴۵,۰۰۰
۲۰۰۸	امنیت GLOBSEC و کشورهای ویشاگراد- پیشنهادات برای همکاری موثر (اسلواکی)	۴,۰۰۰
۲۰۰۷	کنفرانس بین‌المللی در مورد حفاظت در مقابل آتش، بوداپست (مجارستان)	۴,۰۰۰
۲۰۰۶	آماده‌سازی و آموزش بین‌المللی آتش‌نشان‌ها-کارگران نجات از سطح آب (مناطق آبی آزاد و باز اسلواکی)	۹۳۸
	حفاظت در مقابل سیل (اسلواکی)	۱۵,۰۰۰
۲۰۰۵	تروریسم شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای (CBRN)- تعیین یک رویه‌ی مشترک در V4، منطبق با مفهوم برنامه‌ی تحقیقاتی امنیتی اروپایی (چک)	۱۳,۰۰۰
۲۰۰۴	انتشار برای عامه‌ی مردم: "مخاطرات آلودگی انسانی در اروپای مرکزی- جلوگیری و کنترل بیماری کرم تریشین ^۱ و کرم کدو ^۲ "	۸,۰۰۰
	سازمان امنیتی کمونیست در شرق اروپای مرکزی ۱۹۴۴-۴۵ تا ۱۹۸۹ "کنفرانس علمی بین‌المللی" جامع علوم انسانی	۲۰,۰۰۰

- 1- Trichinosis
- 2- Echinococcus

۳۸۰۰	روابط امنیتی فرامرزی ^۱ از منظر فضای اروپای مرکزی [۷۴ دانشگاه تابستانی دوستی N.8]
	"امنیت در جهان جهانی" گروه ویشاگراد در اروپای جدید- چارچوب فرآتلانتیک (مجارستان)
۸،۰۰۰	افزایش امنیت در سطح اجتماعی (اسلواکی)
۲۰۰۳	

جدول شماره ۱: پروژه‌های مرتبط با مدیریت بحران و امنیت که توسط IVF (صندوق بین‌المللی ویشاگراد) بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۳ تامین مالی شده‌اند.

(Brazova et al, 2013: 28-30)

در این جدول مشاهده می‌شود که بسیاری از فعالیت‌های صندوق ویشاگراد و البته خود ویشاگراد، مربوط به سال‌های بعد از ۲۰۰۳ است. چرا که تا قبل از این تاریخ، این گروه متمرکز بر عضویت اعضای خود در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا بود که در سال ۲۰۰۴، اعضای این گروه به این اهداف نایل شدند. تا قبل از ۲۰۰۴، این گروه به فعالیت‌های قابل ذکر چندانی دست نزد، چرا که پیوستن به دو سازمان فوق‌الذکر، بر تمام اهداف گروه سایه انداخته بود؛ پس میتوان گفت که اولویت امنیتی و سیاسی این گروه تا قبل از ۲۰۰۴، کم تعداد و سخت به لحاظ نظامی بود. حتی صندوق بین‌المللی ویشاگراد در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد و همین امر موید این نظر است که از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، اعضای این گروه بر روی عضویت بر دو سازمان مهم امنیتی و سیاسی متمرکز بودند. پس از رسیدن به این اهداف مهم، دیگر ویشاگراد می‌توانست با خیالی راحت به اهداف دیگر غیرنظامی و امنیتی و محیط زیستی پردازد و به نظر می‌رسد که بعد از این تاریخ، یعنی ۲۰۰۴، ویشاگراد دیگر در مسایل امنیتی و سیاسی نقش قبل را ندارد و صرفاً به محلی برای رایزنی و هماهنگی سیاست‌های خارجی اعضای آن تبدیل شده است و بیشتر می‌تواند بر مسایل محیط‌زیستی و اقتصادی متمرکز باشد. یعنی بعد از ۲۰۰۴، سیری از مسایل امنیتی سخت افزاری (یعنی مسایل امنیتی نظامی و سیاسی)، به سمت مسایل امنیتی نرم (مسایل محیط زیستی و اقتصادی و فرهنگی) دارد. همچنین بیشتر طرح‌هایی که توسط صندوق این گروه حمایت شده‌اند،

چندان با بودجه چشمگیری مواجه نشده‌اند و این خود نشان‌دهنده‌ی کمبود بودجه و اولویت کمتر این مسایل نسبت به عضویت این کشورها در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا است.

دستاورد

گروه ویشاگراد که متشکل از چهار کشور جمهوری اسلواکی، جمهوری چک، جمهوری لهستان و جمهوری مجارستان است، براساس یک پیمان امنیتی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۱ بین این چهار کشور شکل گرفت. هدف آن کمک به ادغام کشورهای عضو در تریبات امنیتی و سیاسی جدید و حرکت کشورهای عضو به سمت دموکراسی و بازار آزاد بود. در اعلامیه ۱۹۹۱ براتیسلاوا و بیشتر اعلامیه‌های صادر شده از این گروه، به این اهداف اشاره شده است. این گروه از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۴، به دو هدف مهم خود، یعنی عضویت در ناتو به عنوان رکنی امنیتی و عضویت در اتحادیه‌ی اروپا به عنوان رکنی سیاسی دست یافت. تا قبل از این تاریخ، این گروه بر روی اهداف دیگر چندان متمرکز نبود و این دو هدف سیاسی و امنیتی-نظامی بر سایر اهداف گروه سایه انداخته بود. اما بعد از سال ۲۰۰۰، این گروه با فراغ بال بیشتری توانست دست به اقدام جهت رسیدن به اهداف نرم امنیتی بزند.

با عنایت به اینکه گروه ویشاگراد جهت سرعت بخشیدن برای دستیابی به اهدافی خاص از جمله تقویت فرایند ادغام و همگرایی در اتحادیه‌ی اروپا و ناتو تشکیل شده است به نظر می‌رسد که تا قبل از ۲۰۰۴، چندان فعالیت‌های جانبی از سوی این گروه دیده نمی‌شود، اما پس از ۲۰۰۴ و آسوده شدن خیال کشورهای عضو این گروه از عضویت در ناتو و اتحادیه‌ی اروپا بود که به مسایل دیگری همچون مسایل محیط زیستی و اقتصادی و فرهنگی روی آوردند. برای مثال فکر تاسیس نهاد حفظ اختراع ویشاگراد (۲۰۱۵)، کارگروه‌های انرژی و حتی نیروی رزمی مشترک (۲۰۱۴)، بعد از سال ۲۰۰۴ مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد که مهمترین کاری که گروه ویشاگراد در جهت تثبیت امنیت اعضای خود انجام داده، همانا کمک به عضویت این اعضا در دو سازمان مذکور است و بعد از آن، صرفاً به محلی برای هماهنگی سیاست‌های اعضای آن تبدیل شده است. هرچند تعداد اقدامات

مشترک این اعضا فزونی یافته، اما بعد از ۲۰۰۴ دیگر نمی‌توان اقدامات مشترکی که تاثیر زیادی در امنیت این کشورها داشته باشد را مشاهده کرد.

در واقع، امنیت در نزد گروه ویشاگراد، سیری از نظامی و سخت، به امنیت غیرنظامی^۱ و نرم داشته است. در ابتدای تاسیس، هدف آن از عضویت در سازمان نظامی ناتو و سازمان سیاسی اتحادیه‌ی اروپا، برای آن بود که بتواند در برابر وارث شوروی، یعنی روسیه از خود دفاع کند. پس از الحاق به این دو سازمان در سال ۲۰۰۴، این گروه توانست با فراغ بال بیشتری به مسایل امنیتی غیرنظامی مثل مسایل انرژی و تنوع‌بخشی به مسیرهای آن، بحران‌های محیط زیستی، مهاجران، و مسایل اقتصادی متمرکز شود. تنها موضوعی که همچنان در دستور کار این گروه قرار دارد و رنگ و بوی نظامی می‌دهد، مسئله برخورد با تروریسم و ایجاد نیروی رزمی مشترک است. اما این دو موضوع، یعنی ارتش مشترک و مبارزه با تروریسم، هردو به ناتو گره خورده‌اند؛ چرا که مبارزه با تروریسم در قالب ناتو، بسیار ارزان‌تر و منطقی‌تر از تکروری در این زمینه است. ارتش مشترک قرار است در چارچوب ناتو و اتحادیه‌ی اروپا دست به اقدام بزند. پس همچنان ناتو و اتحادیه‌ی اروپا، دو رکن اصلی امنیت نظامی اعضای این گروه هستند، حال آنکه بعد از ۲۰۰۴، این گروه به سمت اقداماتی حرکت کرد که در ذات، مربوط به مسایل امنیت غیرنظامی بودند. پس از ۲۰۰۴، شاهد اقدامات گروه ویشاگراد در عرصه حفاظت از محیط زیست، تشکیل کارگروه‌های تخصصی از جمله کارگروه انرژی و تمرکز بر بحث انرژی، مسایل اقتصادی و حمایتی از جمله حمایت از حقوق معنوی افراد و شرکت‌های متبوع و تشکیل یک نیروی نظامی مشترک هستیم. بحث تروریسم هم در همان اعلامیه‌های ابتدایی این گروه و قبل از سال ۲۰۰۴ مطرح بود، اما این گروه برنامه مشخصی جز در چارچوب ناتو، جهت مبارزه با تروریسم ندارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد امنیتی گروه ویشاگراد تا سال ۲۰۰۴ به سمت امنیت نظامی و سخت بود، اما بعد از سال ۲۰۰۴، شاهد رویکرد امنیتی غیرنظامی و نرم از سوی اعضای این گروه هستیم.

منابع فارسی:

- ۱- فرهنگ لغت فارسی به روسی ای ک اوچنکو. ۱۳۷۴.
- ۲- ملکی، ابوالقاسم (گردآوری و تنظیم). ۱۳۸۳. اسلواکی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

English:

- 1- Brazova, Vera-Karin&, Matczak,Piotr &Takacs,Viktoria, Visegrad Group,Adam Mickiewicz University, 2013
- 2- Fitzmaurice, John. 1998. Politics and Government in the Visegrad Countries: Poland, Hungary, the Czech Republic and Slovakia. Macmillan Press LTD: London
- 3- Jagodzioski, Anderzej (Ed.). 2006. The Visegrad Dream Still Relevant Today. In: The Visegrad Group – A Central European Constellation
- 4- International Centre for Democratic Transition (ICDT), Project Preparatory Study, Sharing the Experiences of the Visegrad Cooperation in the Western Balkans and the Eastern Neighborhood Countries, 2010
- 5- Larrabee, Stephen F. 1993. East Europe security after the cold war. RAND, National Defense Research Institute. California
- 6- Letter of Visegrad ambassador to the speaker of the United State House of Representatives, John Boehner. 2014. Available at: <http://docs.house.gov/meetings/IF/IF03/20140325/101953/HHRG-113-IF03-20140325-SD008.pdf>
- 7- Rekawek, Kacper. 2011. Non-military aspects of security in V4 countries. PISM: the Polish Institute of International Affairs: Warsaw
- 8- Smith, Keith C. 2010. Bringing Energy Security to East Central Europe, Regional Cooperation Is the Key. Center for Strategic & International Studies (CSIS).
- 9- Smith-Spark, Laura. 2015. CNN. European migrant crisis: A country-by-country glance. Available at: <http://edition.cnn.com/2015/09/04/europe/migrant-crisis-country-by-country/>
- 10- Swiezak, Pawel. 2012. International Challenges for Regional Security in Central and Eastern Europe. Department of Strategic Analyses, National Security Bureau: Poland.
- 11- Thim, Michal, Jakub kulhanek, Man-Hua Chen. 2008. Energy Security in Central and Eastern Europe. Prague: Association for International Affairs
- 12- Visegrad Declaration of 1991. Available at: www.nrc.gov/docs/ML1509/ML15098A141.pdf
<http://www.visegradgroup.eu/documents/visegrad-declarations/visegrad-declaration-110412>
- 13- Visegrad Declaration of 2004. Kromčřfz: Czech Republic. Available at: <http://www.visegradgroup.eu/documents/visegrad-declarations/visegrad-declaration-110412-1>
- 14- Visegrad Joint Statements (2000-2016). Available at: <http://www.visegradgroup.eu/documents/official-statements>